



۲۰۱۸/۱۰/۰۳

مرجان کمال

## یادداشت های پراگنده از زنده یاد مرجان کمال به زبان فرانسوی مترجم: فریده نوری کمال

قسمت بیستم

ز غم زار و حقیرم، با کی گویم      ز غصه من بمیرم، با کی گویم  
مرا خلقان توانگر می شمارند      من، مسکین و فقیرم باکی گویم



کنتگوریی زارعین که بسیار آسیب پذیر هستند، تعداد زیاد نفوس دهات و قصبات را تشکیل می دهند، این ها نه تنها صاحب زمین نمی باشند بلکه از مراکز شهر ها بسیار دور واقع شده اند و در مناطق کوهستانی دره های احاطه شده که به ساعت ها از اولین مرکز شهر دور واقع می باشد، زندگی می کنند. باشندگان این مناطق دسترسی به یک کار با معاش به نسبت دور بودن از شهرها ندارند. (مانند خرده فروشی، دست فروشی، و یا در داخل ادارات دولتی).  
فلهدا باشندگان این مناطق اساساً وابستگی به کار روزمزد در بالای ساحة کشت کوکنار داشته، زیرا که یک هکتار زمین که در آن کوکنار کشت شده به پنج الی شش کارگر به طور اوسط کار خلق می کند. این مناطق محصور شده در دره های کوهستانی اکثراً به مشکلات آب مواجه هستند و برعکس در مقابل، مناطقی وجود دارند که اکثراً ساحة وسیع زراعتی می باشند که در اطراف شهر ها قرار دارند، و این زمین های زراعتی کمتر از خشک سالی صدمه

می بینند، و از طرف دیگر چون به مراکز شهرها نزدیک هستند و هم شرایط برای شان مساعد برای تبدیل بدیل به مواد مجاز و مشروع به ارزش غذایی بلند می باشد، و به آسانی امتعه زراعتی خود را به بازارها رسانیده می توانند و از طرف دیگر دسترسی به پیدا نمودن یک کار با معاش نیز دارند.

معلومات تأثیر نابودی کشت کوکنار بالای کتگوری های مختلف واضح نیست، به طور مثال در ولایت ننگرهار که یک کاهش ۹۶ فیصد در بالای ساحه کشت کوکنار در بین سال های ۲۰۰۴ - ۲۰۰۵ داشت، نا هماهنگی و نابرابری های خیلی زیاد وجود دارد.

گل زمین های سرخرو مانند گل رس می باشد، که در غرب مرکز ولایت، شهر جلال آباد به صورت پهن آور موقعیت دارد، به کدام مشکلی به خصوص و بزرگ مواجه نگردیدند، اهالی آن توسط اولیای امور ولایت که اکثراً اصیل آن منطقه می باشند متقاعد و قانع ساخته شدند و هیچ نوع اقدام به زور و فشار صورت نگرفت، و گرایش زارعین این منطقه به طرف کشت بدیل با ارزش بلند غذایی به کدام مخالفت بزرگ رو به رو نشد.

بر عکس طبقه بسیار آسیب پذیر در حومه و اطراف آن به صورت خیلی وخیم از درک از بین رفتن یگانه راه برای رسیدن به منبع پول نقد صدمه شدید وارد گردید.

- کم شدن خریداری مواد غذایی در یک فامیل برای چند روز پیهم؛

- از بین رفتن دسترسی به معالجه؛

- تعداد زیاد مهاجرت ها طرف پاکستان، و همچنان بی جا شدن از قریه جات و دهات به طرف شهرها؛

بیکاری و عدم موجودیت کار در اثر بیجا شدن سرگردان، بین ولایات، فقر و قرضدار شدن دهاقین به مقابل قاچاقبران سبب بلند رفتن کشت کوکنار گردید، و از طرف دیگر توان پرداخت قرض های شان برای شان مشکل و غیر ممکن می باشد، که نتیجه آن، باعث بالا رفتن درگیری های محلی می گردد.

بعضاً قرضداران از طرف قاچاقبران مجبور می شوند که به عوض پرداخت قرض شان یک دختر جوان را برای شان به عروسی بدهند، و این یکی از دلایل قاچاق انسان می باشد. چندین واقعه فروش زمین به زور نیز صورت گرفت. دیده می شود که تأثیر فوری کشت بدیل زیادتر به نفع قاچاقبران تمام شد.

محیط و اجتماعی که در آن به کشت بدیل رو آوردند نه تنها سبب مخالفت های داخلی یا درونی دهات و قریه جات و یا رابطه بین زارعین و دهاقین قرضدار به مقابل قاچاقبران، بلکه بین تولید کنندگان و مأمورینی که نمایندگان دولت در محلات هستند، نیز می باشند.

این ارتباط به همراهی مأمورین دولت متمایز می شود نظر به تعلقات و وابستگی های اجتماعی زارعین.

از بین بردن کشت کوکنار البته مأمورین اداری ولایتی را که به کشت کوکنار مصروف می باشند، متأثر نمی سازد. و همچنین آن های که ارتباط به یک عضوی از اعضای مأمورین ولایتی داشته باشند نیز معاف هستند.

بالاخره زارعین بسیار مرفه می توانند توسط دادن رشوت، مورد حمایت قرار گیرند، و از طرف دیگر هیئت مسئول نابودی برای زارعین، وقت کافی می دهند تا در اطراف مزرعه خود دیوار بسازند.

دوید منسفیلد (David Mansfield) قصه یک زارع هلمند را که یک ساحه را برای خانم ها در داخل محوطه کشتزار های کوکنار منظم و مرتب کرده بود، چنین بیان می کند!

در هنگامی که هیئت نابودی کشت کوکنار می خواست این محوطه را بررسی کند، از جانب زارع متهم به تخطی و سرپیچی از پرنسپ های تفکیک و جدایی بین خانم ها و مرد ها گردیده، که انتقام جویی مالک مزرعه را توجیه می کند.

برعکس زار عینی که به شبکه قدرت ادارات دولتی در محل ارتباط ندارند مجبور به نابودی یا از بین بردن مزرعه خود می باشند، اگر رد نمایند یک عضو فامیل شان محبوس می شود، در غیر آن هیئت نابودی، کشتزار های شان را تخریب می کنند.

(کنگوری قدرت دولتی محل که در عین زمان دلالت به قدرت های سیاسی و اداری در سطح ولایت و ولسوالی و همچنین قوماندان های پولیس در ولایت و ولسوالی را در بر می گیرد.)

